

بررسی نقش آموزش بر روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان هنرستان‌های حرفه‌ای دخترانه استان مازندران

مهران فرج‌اللهی

استادیار دانشگاه پیام نور تهران

حسنعلی آقاجانی*

استادیار دانشگاه مازندران

زیبا گنجه‌خور

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش آموزش بر روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان هنرستان‌های حرفه‌ای دخترانه در سه بعد تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و فراگیری مهارت‌ها بود. نمونه آماری ۳۳۱ نفر، و داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌ای با اجزاء استاندارد و ضریب پایایی ۰/۷۹ جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان داد که در مقایسه طولی سه ساله، بین متغیر آموزش و سه متغیر مرتبط با روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و فراگیری مهارت‌ها رابطه معنا داری وجود نداشت و میانگین نمره هر سه متغیر در میان دانش‌آموزان سال‌های اول تا سوم هنرستان‌های حرفه‌ای دختران یکسان بود و آموزش‌های ارائه شده در مدارس مذکور بهبود دهنده روحیه کارآفرینانه آن‌ها نبود. در مقایسه عرضی نیز به‌رغم برابری نسبی میانگین‌ها، انحراف معیار و ضریب تغییرات سه متغیر، رتبه اهمیت آنها بر اساس آزمون فریدمن، با هم تفاوت ملاحظه‌پذیری داشت. در پایان نتیجه‌گیری شد که مدیران و مسئولان نظام آموزشی به‌منظور بهبود روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان چگونه باید به برنامه‌ها و محتوای دروس هنرستان‌ها توجه کنند.

واژگان کلیدی

آموزش، کارآفرینانه، دانش‌آموزان، هنرستان‌های حرفه‌ای دخترانه، مازندران

مقدمه

کارآفرینی موتور محرک توسعه و پیشرفت اقتصادی و ایجاد شغل و اصلاح اجتماع محسوب می‌شود (گرول و استن^۱، ۲۰۰۶). کارآفرینان همواره در پیشرفت جوامع نقش مهمی داشته‌اند. کارآفرینان در رأس کسب و کارها قرار گرفته، در جستجوی فرصت‌ها بوده، و خلاقیت نیز ابزاری برای موفقیت آن‌ها تلقی می‌شود. کارآفرینان تغییر را به‌عنوان یک پدیده معمولی بدان می‌نگرند، همیشه در جستجوی آن هستند، به آن واکنش نشان داده و از آن به‌عنوان یک فرصت استفاده می‌کنند (دانپی^۲، ۱۹۹۴، ۱). کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند. آن‌ها از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت، بهره‌وری و تشکیل شرکت‌های جدید، سهم مهمی در رشد اقتصادی دارند. بنابر اعتقادی، در جوامع امروزی، لازم است که انقلاب کارآفرینی رخ دهد. این انقلاب در قرن حاضر اهمیتی به مراتب بیش‌تر از اهمیت انقلاب صنعتی دارد (کوراتکو^۳ و همکاران، ۱۹۸۹). گرایش به‌سوی کارآفرینی و کارآفرینان، از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، موجب هدایت فعالیت‌های کارآفرینانه به درون شرکت‌ها شد و محققان، کانون توجه خود را به چگونگی القاء مقوله کارآفرینی در ساختار اداری شرکت‌های بزرگ معطوف کرده‌اند (استیونسون^۴، ۱۹۸۵). افراد کارآفرین در حرکت چرخ‌های توسعه اقتصادی نقشی مهم به عهده دارند و منشاء تحولات بزرگ زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در سطح سازمان‌ها محسوب می‌شوند (دوان^۵، ۲۰۰۰).

تا مدت‌ها تصور غالب این بود که کارآفرینی یک خصوصیت ویژه فردی و ارثی است و تحصیل و آموزش نمی‌تواند تأثیری بر کارآفرین شدن افراد داشته باشد (لوی^۶، ۱۹۹۹)، ولی شواهد موجود نشان می‌دهند که کارآفرینی می‌تواند در نتیجه برنامه‌های آموزشی پرورش یابد (سالازار و همکاران، ۱۳۸۳). به‌گونه‌ای که امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهمترین و

-
1. Gurol & Astan
 2. Dunphy
 3. Kuratko
 4. Stevenson
 5. Duane
 6. Levie



گسترده‌ترین فعالیت‌های برخی مراکز آموزش عالی تبدیل شده است (احمدپور، ۱۳۷۹). در توسعه کارآفرینی، آموزش، در کنار عوامل تسهیل‌کننده دیگر، جایگاه ویژه‌ای دارد (صالحی و برادران، ۱۳۸۴). در ایران اکثر دروس در مراکز آموزشی به صورت نظری ارائه می‌شوند. به این دلیل خروجی‌های آن‌ها با نیازهای بازار کار همخوانی و هماهنگی ندارند. مراکزی مثل هاروارد، MIT و... فارغ‌التحصیلانی دارند که نتیجه پروژه فارغ‌التحصیلی آن‌ها ایجاد کسب و کارهای جدید است و ارزش آفرینی‌های زیادی در مقاطع مختلف در حوزه جامعه صنعتی و اطلاعاتی به انجام رسانده‌اند، اما مراکز آموزشی ما، متخصصان، متفکران و نخبگان خوبی را به صورت فردی پرورش می‌دهند، ولی آن‌ها هیچگاه توانایی ایجاد کسب و کارهای جدید و شرکت‌های بین‌المللی مانند موتور جستجوی google و yahoo را ندارند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۱).

اگر چه تاکنون مطالعات مختلفی درباره آموزش کارآفرینی انجام شده است (صالحی و برادران، ۱۳۸۴؛ کیگان^۱، ۲۰۰۲؛ رول و آتسن^۲، ۲۰۰۶؛ راسمن و سرهیم^۳، ۲۰۰۶؛ کاوشیک^۴ و همکاران، ۲۰۰۶؛ پاپایاناکیس^۵ و همکاران، ۲۰۰۸)، اما بررسی نقش آموزش بر روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس حرفه‌ای، در حقیقت نوعی آسیب‌شناسی از نظام آموزشی، موضوعی است که هنوز نیازمند کار و مطالعه بیشتر است. آموزش به‌عنوان یکی از متغیرهای فرعی است که در زمره عوامل سازمانی مؤثر بر کارآفرینی می‌باشد (کیگان^۱، ۲۰۰۲). بر این اساس هدف از اجرای پژوهش حاضر، بررسی نقش آموزش‌های ارائه شده از سوی مدارس حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش بر روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان در سه حوزه تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگیها، و آموزش مهارت‌های آن‌ها می‌باشد.

-
1. Kiggundo
 2. Rol & Atsan
 3. Rasmussen & Srheim
 4. Kaushik
 5. Papayannakisa

پیشینه پژوهش

کارآفرینی، خلاقیت، و کسب و کارهای ریسکی، به عنوان سوخت موتور اقتصاد مدرن در نظر گرفته شده‌اند. کارآفرینان، افراد، گروه‌ها یا مردمی هستند که کسب و کار جدیدی را تأسیس و اداره می‌کنند به گونه‌ای که حداقل برای بیش از یک نفر ایجاد اشتغال کنند (کرکود^۱، ۲۰۰۷). یک کارآفرین با توجه به نیاز توفیق‌طلبی و با هدف بهبود عملکرد (رشد، سود و غیره) خود تحت شرایط چالشی و رقابتی، به تأسیس و اداره کردن یک کسب و کار اقدام می‌کند (مک‌کله لند^۲، ۱۹۸۷، ۱۹۶۱؛ هانسه‌مارک^۳، ۱۹۹۸؛ یوچ و راج^۴، ۲۰۰۰؛ مورای^۵، ۱۹۸۳). این خصوصیت منحصر به فردی است که کارآفرینان را در راستای موفقیت در کار و تعالی، به سوی چالشی رو در رو در کار برمی‌انگیزاند (اتکینسون و راینر^۶، ۱۹۷۴؛ گروتی و جیمز^۷، ۱۹۹۱؛ مک‌کله لند، ۱۹۶۱). کارآفرینی با ایده‌های کسب و کار جدید مرتبط است که ممکن است موجب تغییراتی در ماهیت بازار شود. کارآفرینی عبارت از جستجوی فرصت‌ها و توانایی شناسایی شکاف‌های موجود در بازار است. رویکرد کارآفرین محوری رویکردی است که بر نوآوری بازار و محصول، و پروژه‌های خطر پذیر تأکید داشته و با تمایل به پیشگامی در نوآوری، به دنبال کسب برتری بر رقباست (میلر^۸، ۱۹۸۳). در سال‌های اخیر، نوآوری به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر همه سازمان‌ها تلقی می‌شود. بنابراین، سازمان‌ها باید به منظور موفقیت در عملکرد خود و دستیابی به مزیت‌های رقابتی پایدار، از طریق نوآوری، همواره به دنبال کشف فرصت‌های جدید باشند (تاجدینی^۹، ۲۰۰۶). کارآفرینی نیروی محرکی است که نقش آن یافتن فرصت‌های استفاده نشده در بازار بوده و به دنبال ایجاد تعادل جدیدی در بازار

1. Kirkwood
2. McClelland
3. Hansemark
4. Utsch & Rauch
5. Murray
6. Atkinson & Raynor
7. Grote & James
8. Miller
9. Tajeddini



است (ایلونورم^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). کارآفرینان، افراد، گروه‌ها یا مردمی هستند که کسب و کار جدیدی را تأسیس و اداره می‌کنند به گونه‌ای که حداقل برای بیش از یک نفر ایجاد اشتغال کنند (کرکوود، ۲۰۰۷)، ریسک‌پذیری از جمله ویژگی‌های کارآفرینانه است که بر آن تأکید زیادی شده است (کانینگام و لیچرون^۲، ۱۹۹۱؛ هو و گُه^۳، ۱۹۹۲؛ موریس و تروتر، ۱۹۹۰). فرد ریسک‌پذیر کسی است که تمایل زیادی دارد تا در موقعیت‌های تصمیم‌گیری عدم اطمینان کار کند (گُه، ۱۹۹۶). از منظر کارآفرینی، کارآفرینان همواره در جستجوی خطر هستند (آگاروال و پراسد^۴، ۱۹۹۸). و کارآفرینان کسانی هستند که تمایل دارند تا از منابع خود در فرصت‌هایی استفاده کنند که احتمال شکست در آن‌ها زیاد است. مک‌کله لند معتقد است که کارآفرینان با ویژگی‌های داشتن اعتماد به نفس، توانایی پذیرش ریسک محاسبه شده، نیاز به بررسی محیط و تمایل به داشتن بازخورد از عملکرد خود شناخته می‌شوند (مک‌کله لند، ۱۹۶۵). حس توفیق‌طلبی شخصی یک کارآفرین می‌تواند بر ادراک او از ریسک و چگونگی مدیریت بر آن تأثیر بگذارد (کلیم ولودین^۵، ۲۰۰۰: ۲۸).

موضوع کارآفرینی از جنبه‌های متعدد و به‌وسیله رشته‌های مختلف علمی نظیر اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی و روانشناسی مورد مطالعه و بحث قرار گرفته است. به مانند سایر بحث‌ها در علوم انسانی، درباره کارآفرینی نیز مطالعات متعدد و متنوعی وجود دارد (احمدپور، ۱۳۸۱، ۳). در خصوص آموزش کارآفرینی، عده‌ای بر وراثتی بودن کارآفرینی تکیه دارند (لوی^۶، ۱۹۹۹). در حالی که عده‌ای دیگر معتقد هستند که می‌توان با آموزش، ویژگی‌های کارآفرینانه را در افراد ایجاد کرد (صالحی و برادران، ۱۳۸۴). یافته‌های تجربی زیادی نشان داده‌اند که با استفاده از آموزش می‌توان ویژگی‌های کارآفرینی را تعلیم داد یا حداقل ترغیب کرد (کوراتکو^۷، ۱۹۸۹).، اما تمامی عوامل مؤثر بر پرورش روحیات کارآفرینانه و موفقیت افراد

-
1. Elenurm
 2. Cunningham & Lischeron
 3. Ho & Koh
 4. Agarwal & Prasad
 5. Kliem & Ludin
 6. Levie
 7. Kuratko

در کارآفرینی و ایجاد اشتغال مولد را می‌توان در یکی از سه گروه کلی ویژگی‌های زندگی‌نامه‌ای شخصی و روانشناختی فرد کارآفرین، عوامل سازمانی و شرکتی و محیط بیرونی تقسیم‌بندی کرد. عامل ویژگی‌های سازمانی و شرکتی کارآفرینانه مؤثر بر موفقیت و شکست فرآیند کارآفرینی را می‌توان به چهار زیرگروه شامل شکل و فرم سازمان (با متغیرهای اندازه (+)، عمر (+)، مکان (-/+)، نوع مالکیت (+)، ساختار سازمانی (-)، نوع صنعت (+)، بخش (-) شبکه‌ها و خوشه‌های کاری (+)، اسکلت سازمانی (-)، ارتباط با محیط (-)، منابع سرمایه‌ای (با متغیرهای سرمایه اولیه (-/+)، منابع تأمین سرمایه (-/+)، سرمایه توسعه‌ای (+)، سرمایه انسانی (+)، مناسب بودن تکنولوژی (+))، نحوه اداره شرکت (با متغیرهای مستندات قانونی شرکت (-/+)، هیئت مدیره (+)، جلسات عمومی سالانه (+)، حقوق اقلیت‌ها (+)، حقوق سهامداران (-))، و کمک‌های فنی (با متغیرهای اعتبارات (+)، تأمین مالی (-)، آموزش (-/+)، مشاوره (-/+)، انتقال تکنولوژی (-/+)، حمایت‌های مراکز رشد (+)، تورهای مسافرت بین‌المللی (+)، یارانه‌ها (-/+))، تقسیم کرد. هر کدام از این متغیرها بر حسب دو محدودیت زمان و مکان، دارای اثرات مثبت (+)، منفی (-)، و مثبت/منفی (-/+) توأمان بر موفقیت و شکست فرآیند کارآفرینی هستند (کیگان‌دو، ۲۰۰۲). فعالیت‌های آموزشی کارآفرینانه بر حسب ویژگی گروه‌های تحت آموزش و نیازهای محلی، منطقه‌ای و ملی، از ابتدای دهه ۸۰ به سرعت در سطح دانشگاه‌ها و دانشکده‌های کشورهای مختلف گسترش یافت (احمد پور داریانی، ۱۳۸۲). فعالیت‌های آموزش کارآفرینی، ارتباط دانشگاه و صنعت، پارک‌های فناوری و شهرک‌های تحقیقاتی می‌توانند به کارآفرینی، توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال کمک کنند. در این راستا مبارزه با فرهنگ مدرک گرایی، ارتباط میان مراکز آموزشی و بازار کار، برآورد نیروی انسانی مورد نیاز و اطلاع رسانی دولت در این زمینه‌ها امری ضروری است (آراسته، ۱۳۸۲). رفتار کارآفرینانه ماندگار را طی زمان و از طریق سیستم یکپارچه آموزشی می‌توان به‌دست آورد (جوردان^۱، ۲۰۰۰). به عقیده راسموسن مراکز آموزشی می‌توانند با افزایش دادن انگیزه و شایستگی فارغ‌التحصیلان آن‌ها را افرادی برجسته در فعالیت‌های کارآفرینی پرورش دهد (راسموسن^۲، ۲۰۰۶). آموزش کارآفرینی می‌تواند از طریق پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه نظیر

1. Jordaan
2. Rasmussen



توفیق طلبی، خطرپذیری، کنترل درونی، تحمل ابهام، اعتماد به نفس، نوآوری و خلاقیت، باعث بهبود کارآفرینی در میان دانش‌آموختگان شود (رول و آتسن^۱، ۲۰۰۶). مراکز آموزشی امروزی باید همانند دانشگاه استفورد و ارتباط آن با دره سیلیکون، نهادهای آموزشی کارآفرین باشند. یعنی این‌که خروجی‌هایشان مقبول و پذیرش در جامعه باشد (لینویر^۲ و همکاران، ۲۰۰۳). مراکز آموزشی باید ویژگی‌های کارآفرینانه‌ای مانند تجاری کردن دانش، درآمدزایی و پرورش دانش‌آموختگان کارآفرین داشته باشند (تراچتنبرگ^۳، ۱۹۹۹). با توجه به نقش مهم فارغ‌التحصیلان مراکز آموزشی در اشغال پست‌های مدیریتی در جامعه و صنعت، آموزش کارآفرینی به منظور موفقیت آن‌ها در اداره کسب و کارها در جامعه امری مهم و ضروری است (پاپایاناکیسو و همکاران، ۲۰۰۸).

احمد زاده (۱۳۸۷) نشان داده است که عناصر برنامه درسی رشته علوم تربیتی و درس تخصصی آن به پرورش مهارت‌های کارآفرینی توجه ندارند. کیا و نساج (۱۳۸۵) به منظور بررسی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی شاخه کار و دانش در آموزش متوسطه شامل سه عنصر محتوا، روش‌های تدریس و روش ارزشیابی، اشاره کرده‌اند که کتاب درسی کارآفرینی توانسته است اطلاعات و مهارت‌های کارآفرینی را در هرجویان ایجاد کند. خدمتی (۱۳۷۹) معتقد است که دبیرستان‌های کار و دانش می‌توانند زمینه‌های لازم برای پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه توفیق‌طلبی، استقلال، خطرپذیری و مرکز کنترل را در حد بالایی در میان دانش‌آموزان فراهم کنند. این در حالی است که در زمینه پرورش خلاقیت و نوآوری توانایی کمتری دارند. سان هانتز (۲۰۰۴) ضمن تأیید تأثیر آموزش در پرورش روحیه کارآفرینی، نشان داده است که آموزش‌های رسمی، نیمه رسمی و غیر رسمی به ترتیب از کمترین تا بیشترین تأثیر را دارند. عابدی و شمعی زاده (۱۳۸۳) نشان داده‌اند که مشاوره شغلی در پرورش روحیه کارآفرینی فراگیران نقشی مهم دارد. هاتمن و راولند (۱۹۹۴) بیان کرده‌اند که دوره‌های آموزشی شغلی کوتاه مدت بر تغییر نگرش‌های کارآفرینانه فراگیران تأثیر بالایی دارد. وسپر (۱۹۹۰) اشاره کرده است که آموزش کارآفرینی می‌تواند در افزایش رغبت و تغییر نگرش افراد برای

1. Rol & Atsan
2. Lenoir
3. Trachtenberg

اقدامات کارآفرینانه مؤثر باشد. کازوف (۲۰۰۳) گفته است که بین آموزش کارآفرینی و خوداشتغالی رابطه مثبت وجود دارد. جعفرزاده (۱۳۸۴) معتقد است که برنامه های آموزشی در پرورش مهارت های کارآفرینانه و راه اندازی مؤسسات جدید تأثیر بسزایی دارند. احمدی پور (۱۳۸۶) نشان داده است که آموزش بر تغییر نگرش افراد نسبت به بازارکار و کارآفرینی مؤثر است. اکبری (۱۳۸۳) گفته است که آموزش می تواند مهارت های کارایی فراگیران را بهبود بخشیده و نگرش های آن ها را درباره کارآفرینی تغییر دهد. گالووی و دیگران (۲۰۰۵) دریافتند که آموزش های کارآفرینی بر افزایش مهارت های دانشجویان در خلاقیت، توانایی، اعتماد به نفس و همچنین مهارت های ارتباطی و مدیریتی تأثیر معنادار دارد. یارایی (۱۳۸۳) نشان داده است که مدیران صنایع در مقایسه با دانشجویان از انگیزه توفیق طلبی بالاتری برخوردارند. در مقابل، دانشجویان از مدیران صنایع خطر پذیرتر هستند. دانشجویان فنی و مهندسی در مقایسه با دانشجویان علوم انسانی خطرپذیرتر هستند در حالیکه دانشجویان علوم انسانی در مقایسه با فنی مهندسی از انگیزه توفیق طلبی بیشتری برخوردارند. در میان دانشجویان فنی و مهندسی، سال اولی ها از انگیزه رقابت بالاتری در مقایسه با سال بالایی ها برخوردارند. محل تولد، جنسیت و میزان تحصیلات والدین دانشجویان، بر انگیزه های فوق بی تأثیر بوده، و در مجموع، سطح کلی روحیه کارآفرینی در میان دانشجویان پایین است. بدری (۱۳۸۴) گفته است که آموزش های دانشگاهی در پرورش ویژگی های کارآفرینانه دانشجویان مؤثر نبوده است. عزیزی (۱۳۸۲) معتقد است که در مراکز آموزشی، زمینه بروز و پرورش ویژگی های کارآفرینانه فراگیران فراهم نشده است. احمدی (۱۳۸۵) اشاره کرده است که برنامه های درسی دانشگاه نتوانسته است دانش و مهارت های مورد نیاز کارآفرینانه را در دانشجویان پرورش دهد و فارغ التحصیلان، حتی آن ها که روحیه کارآفرینی بالایی دارند پس از اتمام تحصیلات آماده ایجاد یک کسب و کار برای خود نیستند. رشید به این نتیجه رسیده است که افراد تحت آموزش کارآفرینی، نسبت به دیگران، نمرات بیشتری در انگیزه پیشرفت، مرکز کنترل درونی، عزت نفس و خلاقیت به دست آوردند (راشد، ۲۰۰۰). هزار جریبی (۱۳۸۲) به وجود رابطه بین روحیه کارآفرینی و آموزش دوره های انگیزه پیشرفت، خلاقیت، خطر پذیری و استقلال طلبی اشاره کرده است. زالی (۱۳۸۵) معتقد است که باید از طریق آموزش ویژگی های کارآفرینانه را در دانشجویان



ایجاد کرد. پوستیگو^۱ معتقد است که از مهمترین دوره‌ها برای آموزش کارآفرینی، دوره‌های آموزش خلاقیت و نوآوری است (پوستیگو، ۲۰۰۲). کاوشیک می‌گوید کارآفرینی از طریق آموزش توسعه داده می‌شود. و آموزش، ضروری‌ترین نیاز برای مردم به‌منظور آگاهی از استعدادها و بالقوه خود در کارآفرینی است (کاوشیک و همکاران، ۲۰۰۶). مستند به مرور ادبیات موضوعی فوق، در پژوهش حاضر فرضیه ذیل بررسی و آزمون خواهد شد:

آموزش‌های فنی حرفه‌ای بر روحیه کارآفرینانه (تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و فراگیری مهارت‌ها) دانش‌آموزان هنرستان‌های حرفه‌ای دخترانه استان مازندران تأثیر مثبت داشته است.

روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر را دانش‌آموزان سال‌های اول تا سوم هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای دخترانه پنج شهر بزرگ استان مازندران شامل آمل، بابل، بابلسر، ساری و قائم‌شهر تشکیل داده و نمونه آماری مورد استفاده ۳۳۱ نفر بر اساس نسبت اعضاء جامعه آماری بوده‌اند. در نمونه مذکور ۲۵، ۴۲، و ۳۳ درصد دانش‌آموزان سال‌های اول تا سوم، تحصیلات پدران آن‌ها ۴۶، ۳۶، و ۱۸ درصد، و تحصیلات مادران آن‌ها ۶۴، ۲۸، و ۸ درصد به ترتیب زیر دیپلم، دیپلم و لیسانس بوده‌اند.

داده‌های مورد نیاز پژوهش حاضر به وسیله پرسشنامه‌ای با اجزاء استاندارد (کانینگام و لیچرون^۲، ۱۹۹۱؛ هو و گه^۳، ۱۹۹۲؛ موریس و تروتتر^۴، ۱۹۹۰؛ گه^۵، ۱۹۹۶؛ کرانکو و هوتگت^۵، ۱۹۸۹؛ رول و آتسن^۶، ۲۰۰۶؛ راسمسون، ۲۰۰۶؛ پایایانکیسا و همکاران، ۲۰۰۸؛ پوستیگو، ۲۰۰۲؛ کاوشیک و همکاران، ۲۰۰۶؛ کیگانو، ۲۰۰۲؛ سوهن^۷ و همکاران، ۲۰۰۷؛ وانگ و

1. Postigo
2. Cunningham & Lischeron
3. Ho & Koh
4. Morris & Trotter
5. Hodgetts
6. Rol & Atsan
7. Sohn

لین^۱، یاپ و فایرمن^۲، سان^۳ و همکاران، ۲۰۰۵ (حاوی ۳۰ سؤال در مقیاس فاصله‌ای (اصغر پور، ۱۳۷۷، ۱۹۲) ده گزینه‌ای از خیلی کم تا خیلی زیاد برای اندازه‌گیری سه متغیر شکل دهنده روحیه کارآفرینی شامل تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها، و فراگیری مهارت‌ها، هر کدام ده سؤال، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. پرسشنامه طراحی شده، در مراجعه حضوری نخست، در اختیار اعضاء نمونه آماری قرار گرفته و توضیحات لازم نیز برای آن‌ها داده شد. آن‌گاه در مراجعات حضوری دوم تا چهارم نسبت به جمع‌آوری آن‌ها اقدام شده است.

اعتبار

به منظور معتبرسازی ابزار اندازه‌گیری پژوهش، از رویه استخراج اجزاء متغیرهای مورد اندازه‌گیری از ادبیات موضوعی و آن‌گاه بومی‌سازی آن با بهره‌گیری از نظرات متخصصان و نیز نمونه‌ای مقدماتی استفاده شده است (هولت و فرل^۴، ۱۹۹۷) (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۷، ۱۷۱-۱۶۶؛ ساروخانی، ۱۳۸۳، ۱۳۹). بر این اساس ارزیابی دو ویژگی اعتبار محتوایی (پاراسورامان^۵ و همکاران، ۱۹۸۸) مقیاس اندازه‌گیری به صورت قضاوت کیفی بوده است. یعنی پرسشنامه پژوهش حاضر دارای اعتبار محتوا بوده است، زیرا اجزاء متغیرهای مورد اندازه‌گیری از ادبیات موضوعی پژوهش اخذ شده، و سازه‌های پرسشنامه نیز به وسیله اعضاء نمونه آماری به درستی درک شده‌اند. بدین منظور، پرسشنامه طراحی شده، به صورت پیش‌آزمون در اختیار تعداد ۱۲ نفر از اساتید و خبرگان قرار گرفت آن‌گاه پس از اخذ نظرات اصلاحی و تعدیل موادی از آنها، مجدداً در اختیار تعداد ۲۲ نفر از اعضاء نمونه آماری مقدماتی قرار گرفت و طبق نظرات اصلاحی این گروه نیز از مرتبط بودن سؤال‌ها با توجه به متغیرهای مورد اندازه‌گیری اطمینان حاصل شد. در پایان، پرسشنامه نهایی طراحی و برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد.

-
1. Wang & Lin
 2. Yapp & Fairman
 3. Sun
 4. Hult & Ferrel
 5. Parasuraman



پایایی

یکی از روش‌های متعدد تعیین قابلیت اعتماد (پایایی) سنجش سازگاری درونی آن است (کونکا^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). که با ضریب آلفای کرونباخ اندازه‌گیری می‌شود (چارچیل^۲، ۱۹۷۹؛ کرونباخ^۳، ۱۹۵۱). و در اغلب پژوهش‌ها از آن‌ها استفاده شده است (پترسون^۴، ۱۹۹۴). اگر چه حداقل مقدار قابل قبول برای این ضریب باید ۰/۷ باشد، اما مقادیر ۰/۶ و حتی ۰/۵۵ نیز قابل قبول و پذیرش است (ون دیون و فری^۵، ۱۹۷۹؛ ۳۸ نانالی^۶، ۱۹۷۸؛ ۶۲). در پژوهش حاضر، قابلیت اعتماد ابزار اندازه‌گیری ۰/۷۹ بوده است. ضمن این‌که آزمون فریدمن نیز نشان داده است که پاسخ‌دهندگان، هم درست و به دور از پیش‌داوری به سؤال‌ها پاسخ گفته‌اند و هم این‌که تفاوت بین سؤال‌ها را به درستی درک کرده‌اند (جهانبخش، ۱۳۸۲، ۵۷).

یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه نقش آموزش بر روحیه کارآفرینی

جدول ۱ آماره‌ها و نتایج آزمون‌های انجام شده مربوط به تعیین و تبیین نقش آموزش را بر روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان سال‌های اول تا سوم دختر هنرستان‌های حرفه‌ای در سطح جامعه آماری مورد مطالعه، یعنی استان مازندران، نشان می‌دهد.

-
1. Conca
 2. Churchill
 3. Cronbach
 4. Peterson
 5. Van de ven & Ferry
 6. Nunnally

جدول ۱: نتایج آزمون‌های برابری میانگین‌ها

متغیر مستقل = آموزش											
آزمون تحلیل واریانس یکطرفه = برابری میانگین‌ها در سه گروه (سال‌های اول آزمون برابری / نابرابری واریانس‌ها تا سوم)											
متغیرهای وابسته	منبع تفاوت‌ها	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذور	F	Sig	نتیجه آزمون	آماره levene	df ₁	df ₂	sig
تحریک انگیزه‌ها	بین گروه‌ها	۳/۰۴	۲	۱/۵۲	۱/۹۸	۰/۱۴	رد	۰/۶۲۲	۲	۳۲۷	۰/۵۳۷
	درون گروه‌ها	۲۹۴/۱	۳۲۷	۰/۷۶			وجود				
	کل	۲۵۲/۱۵	۳۲۹				رابطه				
پرورش ویژگی‌ها	بین گروه‌ها	۲/۹۵	۲	۱/۴۸	۱/۶۶	۰/۱۹	رد	۰/۲۳۳	۲	۳۲۷	۰/۷۹۲
	درون گروه‌ها	۲۹۰/۴	۳۲۷	۰/۸۹			وجود				
	کل	۲۹۳/۳۲	۳۲۹				رابطه				
فراگیری مهارت‌ها	بین گروه‌ها	۳۰۹/۲۶	۲	۰/۹۴۶	۱/۰۶	۰/۳۵	رد	۱/۵۴۴	۲	۳۲۷	۰/۲۱۵
	درون گروه‌ها	۳۱۱/۲۷	۳۲۷	۰/۹۴۶			وجود				
	کل	۳۱۱/۲۷	۳۲۹				رابطه				

به منظور تحلیل برابری یا نابرابری نمرات میانگین روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان در سه سال تحصیلی مورد مطالعه با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه، ابتدا باید معلوم کنیم که آیا می‌توان واریانس این سه گروه را برابر در نظر گرفت یا نه؟ در پژوهش حاضر این کار با استفاده از آزمون لون^۱ انجام شده است. نتایج نشان داده است که در هر سه متغیر مورد مطالعه، فرض برابری واریانس‌های سه گروه (سال) تأیید شده است. آن‌گاه بر اساس نتایج این آزمون، شاخص‌ها و آماره‌های مربوط به تحلیل واریانس یکطرفه استخراج و در جدول یک نشان داده شده‌اند.

همان‌گونه که از داده‌های جدول فوق پیداست بین متغیر آموزش و سه متغیر تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و فراگیری مهارت‌ها در سطح جامعه آماری مورد مطالعه رابطه معناداری پیدا نشده است. زیرا در هر سه متغیر مورد مطالعه مقدار سطح معناداری (Sig) آزمون‌ها بیش‌تر از ۰/۰۵ شده است. به عبارت دیگر، میانگین نمره هر سه متغیر مرتبط با روحیه کارآفرینی در میان دانش‌آموزان سال‌های اول تا سوم هنرستان‌های حرفه‌ای دختران یکسان بوده



و تفاوت معناداری با هم نداشته‌اند. یعنی این‌که آموزش‌های ارائه شده در مدارس مذکور بهبود دهنده روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان در سه بعد تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و فراگیری مهارت‌ها نبوده است.

آزمون مقایسه میانگین‌های روحیه کارآفرینی سال‌های اول تا سوم

جدول ۲ نیز آماره‌ها و نتایج آزمون‌های انجام شده مربوط به مقایسه دو به دو میانگین‌های نمرات روحیه کارآفرینی در سه بعد تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و فراگیری مهارت‌ها مربوط به دانش‌آموزان سال‌های اول تا سوم دختر مدارس حرفه‌ای در سطح جامعه آماری مورد مطالعه، یعنی استان مازندران، را نشان می‌دهد.

جدول ۲: آزمون Tukey HSD مقایسه میانگین‌ها

متغیرهای وابسته	مقایسه‌ها	میانگین تفاوت‌ها		Sig	نتیجه آزمون	فاصله اطمینان ۹۵٪	
		انحراف معیار	میانگین			حد پایین	حد بالا
تحریک انگیزه‌ها	سال اول با دوم	۰/۲۴	۰/۱۲	۰/۱۱	برابری میانگین‌ها	-۰/۰۴	۰/۵۳
	سال اول با سوم	۰/۱۶	۰/۱۳	۰/۴۴	برابری میانگین‌ها	-۰/۱۴	۰/۴۵
	سال دوم با اول	-۰/۲۴	۰/۱۲	۰/۱۱	برابری میانگین‌ها	-۰/۵۳	۰/۰۴
پرورش ویژگی‌ها	سال دوم با سوم	-۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۷۲	برابری میانگین‌ها	-۰/۳۵	۰/۱۸
	سال سوم با اول	-۰/۱۶	۰/۱۳	۰/۴۴	برابری میانگین‌ها	-۰/۴۵	۰/۱۴
	سال سوم با دوم	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۷۲	برابری میانگین‌ها	-۰/۱۸	۰/۳۵
فراگیری مهارت‌ها	سال اول با دوم	۰/۲۰	۰/۱۳	۰/۲۸	برابری میانگین‌ها	-۰/۱۱	۰/۵۱
	سال اول با سوم	۰/۲۳	۰/۱۴	۰/۲۰	برابری میانگین‌ها	-۰/۰۹	۰/۵۶
	سال دوم با اول	-۰/۲۰	۰/۱۳	۰/۲۸	برابری میانگین‌ها	-۰/۵۱	۰/۱۱
فراگیری مهارت‌ها	سال دوم با سوم	۰/۰۳	۰/۱۲	۰/۹۶	برابری میانگین‌ها	-۰/۲۵	۰/۳۲
	سال سوم با اول	-۰/۲۳	۰/۱۴	۰/۲۰	برابری میانگین‌ها	-۰/۵۶	۰/۰۹
	سال سوم با دوم	-۰/۰۳	۰/۱۲	۰/۹۶	برابری میانگین‌ها	-۰/۳۲	۰/۲۵
فراگیری مهارت‌ها	سال اول با دوم	۰/۱۹	۰/۱۳	۰/۳۲	برابری میانگین‌ها	-۰/۱۳	۰/۵۱
	سال اول با سوم	۰/۱۰	۰/۱۴	۰/۷۷	برابری میانگین‌ها	-۰/۲۴	۰/۴۳
	سال دوم با اول	-۰/۱۹	۰/۱۳	۰/۳۲	برابری میانگین‌ها	-۰/۵۱	۰/۱۳
فراگیری مهارت‌ها	سال دوم با سوم	-۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۷۲	برابری میانگین‌ها	-۰/۳۹	۰/۲۰
	سال سوم با اول	-۰/۱۰	۰/۱۴	۰/۷۷	برابری میانگین‌ها	-۰/۴۳	۰/۲۴
	سال سوم با دوم	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۷۲	برابری میانگین‌ها	-۰/۲۰	۰/۳۹

همان‌گونه که بر اساس نتایج جدول توضیح داده شد وجود رابطه بین آموزش‌های ارائه شده و روحیه کارآفرینی تأیید نشده است؛ یعنی اینکه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به‌رغم اینکه باید به‌صورتی هدفمند پرورش دهنده روحیه کارآفرینی و ایجاد اشتغال مولد باشند پژوهش حاضر نشان داد که این‌گونه نیست. داده‌های جدول فوق مقایسه دو به دو بین میانگین‌های متغیرهای سه‌گانه تشکیل‌دهنده روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان سال‌های اول تا سوم را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معناداری (Sig) محاسبه شده بیش‌تر از ۰/۰۵ ملاحظه می‌شود که در هر سه متغیر مورد مطالعه، میانگین‌های نمرات روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان هر سه سال تفاوت معناداری با هم نداشته‌اند. و این بدین معنی است که آموزش‌های ارائه شده در مجموع نقش ملاحظه‌پذیری در بهبود روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان نداشته‌اند.

آزمون‌های تکمیلی

علاوه بر بررسی نقش آموزش در سال‌های سه‌گانه تحصیلی بر روحیه کارآفرینی که در بالا شرح تفصیلی مربوط ارائه شده است. در ادامه بحث نقش ۸ متغیر دیگر مؤثر بر روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان هنرستان‌های فنی حرفه‌ای شامل تأهل، سن، رشته، شهر محل تحصیل، نوع شغل پدر، نوع شغل مادر، سطح تحصیلات پدر، و سطح تحصیلات مادر تعیین و تبیین می‌شود.

تأهل

نتایج آزمون‌ها نشان داده است که وضعیت تأهل فقط بر یکی از متغیرهای فرعی پرورش روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها تأثیر معنادار داشته ($Sig=0/045$)، ولی بر دو متغیر دیگر یعنی پرورش ویژگی‌ها ($Sig=0/400$) و فراگیری مهارت‌ها ($Sig=0/109$) تأثیر معنادار نداشته است.

سن

نتایج آزمون‌ها نشان داده است که متغیر سن بر هیچ‌کدام از متغیرهای سه‌گانه فرعی پرورش روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها ($Sig=0/337$)، پرورش ویژگی‌ها ($Sig=0/739$) و فراگیری مهارت‌ها ($Sig=0/599$) تأثیر معنادار نداشته است.



رشته تحصیلی

نتایج آزمون‌ها نشان داده است که رشته تحصیلی بر دو مورد از متغیرهای فرعی پرورش روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها ($Sig=0/091$)، و پرورش ویژگی‌ها ($Sig=0/010$) تأثیر معنادار نداشته، ولی بر متغیر فراگیری مهارت‌ها ($Sig=0/035$) تأثیر معنادار داشته است.

شهر محل تحصیل

نتایج آزمون‌ها نشان داده است که متغیر شهر محل تحصیل بر هر سه متغیر فرعی پرورش روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها ($Sig=0/000$)، پرورش ویژگی‌ها ($Sig=0/016$) و فراگیری مهارت‌ها ($Sig=0/000$) تأثیر معنادار داشته است.

شغل پدر

نتایج آزمون‌ها نشان داده است که متغیر شغل پدر بر هیچکدام از متغیرهای سه‌گانه فرعی پرورش روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها ($Sig=0/493$)، پرورش ویژگی‌ها ($Sig=0/102$) و فراگیری مهارت‌ها ($Sig=0/063$) تأثیر معنادار نداشته است.

شغل مادر

نتایج آزمون‌ها نشان داده است که شغل مادر بر دو مورد از متغیرهای فرعی پرورش روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها ($Sig=0/118$) و فراگیری مهارت‌ها ($Sig=0/114$) تأثیر معنادار نداشته، اما بر متغیر پرورش ویژگی‌ها ($Sig=0/048$) تأثیر معنادار داشته است.

تحصیلات پدر

نتایج آزمون‌ها نشان داده است که تحصیلات پدر بر دو مورد از متغیرهای فرعی پرورش روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها ($Sig=0/387$) و فراگیری مهارت‌ها ($Sig=0/114$) تأثیر معنادار نداشته، اما بر متغیر پرورش ویژگی‌ها ($Sig=0/017$) تأثیر معنادار داشته است.

تحصیلات مادر

همانند مورد اخیر، نتایج آزمون‌ها نشان داده است که تحصیلات مادر بر دو مورد از متغیرهای فرعی پرورش روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها ($Sig=0/375$) و فراگیری مهارت‌ها ($Sig=0/631$) تأثیر معنادار نداشته، اما بر متغیر پرورش ویژگی‌ها ($Sig=0/024$) تأثیر

معنادار داشته است.

همبستگی، آماره‌ها و مقایسه عرضی میانگین‌ها

جدول سه آماره‌های ضریب همبستگی، میانگین، انحراف معیار، ضریب تغییرات و میانگین رتبه اهمیت هر کدام از سه متغیر مرتبط با روحیه کارآفرینی یعنی تحریک انگیزه‌ها، پرورش ویژگی‌ها و فراگیری مهارت‌ها را برای تمامی اعضاء نمونه آماری نشان می‌دهد.

جدول ۳: همبستگی (سطح ۰/۰۱)، و آماره‌های توصیفی متغیرهای ششگانه

میانگین رتبه فریدمن	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	مهارت‌ها	ویژگی‌ها	انگیزه‌ها	
۲/۱۳	۰/۱۱۷	۰/۸۷	۷/۴۵	۰/۴۸	۰/۴۴	۱	انگیزه‌ها
				۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۱/۷۶	۰/۱۳	۰/۹۴	۷/۱۵	۰/۵۶	۱	۱	ویژگی‌ها
				۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		سطح معناداری
۲/۱۱	۰/۱۳	۰/۹۷	۷/۴۱	۱			مهارت‌ها
				۰/۰۰۰			سطح معناداری

ضرایب همبستگی جزئی فوق نشان می‌دهد که متغیرها در مجموع با هم رابطه معنادار دارند. سه ستون آخر جدول نیز نشان می‌دهد که به‌رغم برابری نسبی میانگین‌ها، انحراف معیار و ضریب تغییرات سه متغیر به‌صورت عرضی، رتبه اهمیت آن‌ها بر اساس آزمون فریدمن، با هم تفاوت ملاحظه‌پذیری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

محدودیت‌های مربوط به بعد زمان و مکان در تمامی پژوهش‌های رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به‌طور عام و رشته مدیریت و کارآفرینی به‌صورتی خاص باعث شده است که یافته‌های پژوهشی، به‌رغم شباهت‌های موجود در متغیرها و روش مورد استفاده، تفاوت‌های جالب توجهی داشته باشد. بر این اساس لازم است ابتدا با توجه به شرایط زمانی و مکانی مورد استفاده، بومی‌سازی‌های لازم مرتبط با نتایج مطالعات انجام شود تا کاربردهای نتایج



مذکور مقرون به صحت و درستی باشد. همان‌گونه که در پیشینه پژوهش نیز نشان داده شده است عده‌ای بر وراثتی بودن کارآفرینی تکیه دارند (لوی، ۱۹۹۹). عده‌ای معتقدند که آموزش می‌تواند باعث پرورش روحیه کارآفرینانه (صالحی و برادران، ۱۳۸۴؛ کراتکو، ۱۹۹۸)، توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال (آراسته، ۱۳۸۲)، رفتار کارآفرینانه ماندگار طی زمان (جردان، ۲۰۰۰)، افزایش انگیزه و شایستگی فارغ‌التحصیلان (راسموسن، ۲۰۰۶)، پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه (رول و آتسن، ۲۰۰۶)، بهبود تجاری کردن دانش، درآمذزایی و پرورش دانش‌آموختگان (تراچتنبِrg^۱، ۱۹۹۹)، اشغال پست‌های مدیریتی در جامعه و صنعت به‌وسیله فارغ‌التحصیلان و مؤفقیت آن‌ها در اداره کسب و کارها در جامعه (پاپایانکیسا و همکاران، ۲۰۰۸)، افزایش اطلاعات و مهارت‌های کارآفرینی هنرجویان (نساج، ۱۳۸۴)، فراهم سازی زمینه‌های لازم برای پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه (خدمتی، ۱۳۷۹)، ایجاد مشاوره شغلی و کارآفرینی (عابدی و شمعی زاده، ۱۳۸۳)، تغییر نگرش‌های کارآفرینانه (هاتمن و راهلند^۲، ۱۹۹۴)، افزایش رغبت و تغییر نگرش افراد برای اقدامات کارآفرینانه (وسپر^۳، ۱۹۹۰)، خوداشتغالی (کاسف^۴، ۲۰۰۳)، پرورش مهارت‌های کارآفرینانه و راه اندازی مؤسسات جدید (جعفرزاده، ۱۳۸۴)، تغییر نگرش افراد نسبت به بازار کار (احمدی پور، ۱۳۸۶)، بهبود مهارت‌های کارایی فراگیران (اکبری، ۱۳۸۳)، افزایش مهارت‌ها (گالوی^۵ و همکاران، ۲۰۰۵) شود. که نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های فوق در تناقض و تضاد هست. در مقابل مطالعاتی هم نشان داده‌اند (احمد زاده، ۱۳۸۷؛ احمدی، ۱۳۸۵؛ عزیزی، ۱۳۸۲؛ بدری، ۱۳۸۴) که آموزش و برنامه‌های آموزشی نتوانسته‌اند یا اینکه نمی‌توانند باعث پرورش و بهبود روحیه کارآفرینی در فراگیران دوره‌های آموزشی شوند. که نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های این دسته از پژوهش‌ها هماهنگ و سازگار است.

در پژوهش حاضر نقش آموزش بر روحیه کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس فنی حرفه‌ای در سطح استان مازندران پیگیری شده است. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند برای دیگر

1. Trachtenberg
2. Hatteman & Ruhland
3. Vesper
4. Kasouf
5. Galowy

استان‌های کشور نیز تعمیم‌پذیر باشد. سه دلیل مهم توجه به موضوع کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و ایجاد اشتغال مولد است. این امر می‌تواند رشد و توسعه اقتصادی کشورها، افزایش بهره‌وری، ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی را باعث شود. تغییر و تحولات موجود در دنیای امروز کارآفرینان را در خط مقدم عامل توسعه فن‌آوری و اقتصادی قرار داده است (کوراتکو و هاجتس، ۱۳۸۳، ۲۳؛ احمدپور و دیگران، ۱۳۸۳). تجربه موفقیت‌آمیز اغلب کشورهای پیشرفته و نیز برخی کشورهای در حال توسعه در مدیریت بحران‌های اقتصادی، به دلیل توجه و التفات به توسعه کارآفرینی و کارهای نوآورانه بوده است و به همین دلیل برای کارآفرینی و کارآفرینان اهمیت خاصی قائل می‌شوند. با توجه به نقش و اهمیت کارآفرینی و سابقه درخشان کارآفرینان در توسعه بسیاری از کشورها (دان، ۲۰۰۰^۱)، و با توجه به مشکلات اقتصادی کشور چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی به‌طور عام و در سطح استان مازندران به‌صورتی خاص، ترویج و اشاعه مفهوم کارآفرینی، و بسترسازی برای فرهنگ حامی کارآفرینی از اهمیت و ضرورت حیاتی برخوردار است. مدیران و مسئولان محترم می‌توانند با بهره‌گیری و استفاده از نتایج پژوهش حاضر درباره چگونگی ایجاد تغییر در برنامه‌ها و محتوای آموزش‌ها به‌منظور اثرگذاری بر روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان و ایجاد اشتغال مولد در جامعه پیگیری و اقدام کنند.

برنامه‌های آموزشی موجود در نظام آموزشی کشور اصولاً مبتنی بر تفکر همگرا و متکی بر محفوظات صرف و دروس نظری و بدون توجه به پرورش مهارت‌های کارآفرینی بوده و فقط موجب پرورش روحیه مدرک‌گرایی و تضعیف روحیه پژوهش‌گری و عمل‌گرایی در دانش‌آموختگان شده است. این در حالیست که امروزه از فارغ‌التحصیلان انتظار می‌رود تا بتوانند دانش خود را به کسب و کار تبدیل کنند تا از این طریق علاوه بر ارزش‌آفرینی برای خود، باعث رشد و توسعه جامعه نیز شوند. مؤسسات آموزشی هر ساله بدون توجه به نیاز بازار کار تعداد زیادی فراگیر جذب می‌کنند، اکثر دروس به‌صورت نظری ارائه می‌شوند و تلاش جدی برای کاربردی کردن آن‌ها انجام نمی‌شود، به علت کاربردی نبودن دروس، دانش‌آموختگان آمادگی لازم را برای کار ندارند، از طرفی شغل‌های موجود در جامعه ظرفیت پاسخگویی به خیل عظیم فارغ‌التحصیلان را ندارد، و عدم توازن شغل و نیروی انسانی جامعه را با چالشی



عظیم مواجه ساخته است (رستمی، ۱۳۸۶). بنابراین، نقش حیاتی کارآفرینی و قدرت آن در ایجاد تحولات اقتصادی در ساختار جامعه موضوعی است که باید مورد توجه صاحب‌نظران و متخصصان آموزشی قرار گیرد. از مهم‌ترین راهکارهای توسعه کارآفرینی در میان دانش‌آموزان، ارتقاء و پرورش ویژگی‌ها و رفتارهای کارآفرینانه آن‌ها از طریق ترویج، آموزش، حمایت و شناخت مستعدان کارآفرینی است.

برنامه‌های آموزشی برای پرورش روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان باید با فراهم کردن اهداف چالش‌برانگیز برای آنها، مسئولیت‌پذیری و سعی و تلاش آن‌ها را برای رسیدن به اهداف افزایش دهند. با توجه به اهمیت شاخص انگیزه پیشرفت و مرکز کنترل درونی در بحث کارآفرینی، باید به تغییر شیوه‌های تدریس و روش‌های ارزشیابی اقدام شود و به فعالیت‌های عملی و کارآفرینانه دانش‌آموزان مطابق با رشته تحصیلی آن‌ها ارزش و بهای بیشتری داده شود. همچنین راه اندازی و پشتیبانی هسته‌های کارآفرینی، برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های ترویجی و توجیهی برای معلمان و دانش‌آموزان به‌طور منظم، معرفی چهره‌های موفق کارآفرینی در رشته‌های مختلف تحصیلی، از جمله مواردی هستند که می‌توانند ساختار فکری یک آموزشگاه را به سمت کارآفرینانه شدن تغییر دهند. بهترین افرادی که می‌توانند نقش مهمی را در فعالیت‌های آموزشی و ترویجی کارآفرینی ایفا کنند معلمان هستند. بر این اساس لازم است معلمان در رشد و پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه در دانش‌آموزان تلاش کنند.

مستند به موارد اشاره شده در متن مقاله، موارد زیر به‌عنوان پیشنهادهای به‌منظور اجرای پژوهش‌های آتی در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر می‌تواند ارائه شود: ارزیابی و سنجش ویژگی‌های فردی کارآفرینانه دانش‌آموزان. تحلیل محتوای دوره‌های آموزشی رشته‌های مختلف آموزشی از منظر پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان.

منابع

- آراسته، حمیدرضا، (۱۳۸۲). کارآفرینی و آموزش عالی، اصول و موانع، رهیافت، (۲۹). صص ۱۳-۵.
- احمدپور داریانی، محمود، (۱۳۷۹). کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها، تهران: شرکت پردیس.
- احمدپور داریانی، محمود، (۱۳۸۱). آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه‌ها را تغییر می‌دهد؟، رهیافت، (۲۹). صص ۲۵-۱۵.
- احمد پور، محمود و دیگران، (۱۳۸۳). تجارب کارآفرینی در کشورهای منتخب، تهران: امیرکبیر.
- احمدی، محمد، (۱۳۸۵). نیازسنجی آموزش کارآفرینی در دانشجویان دوره کارشناسی رشته برق دانشکده فنی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.
- احمدی پور، لقمان، (۱۳۸۶). اثر بخشی آموزش مهارت‌های کارآفرینی بر نگرش نسبت به بازار کار و خود پنداره شغلی افراد مراجعه کننده به ستاد کارآفرینی شهرداری تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- اکبری، حبیب الله، (۱۳۸۴). اثر بخشی آموزش مهارت‌های کاریابی به روش کلوب شغلی بر نگرش نسبت به بازار کار و خودپنداره شغلی فارغ التحصیلان دانشگاهی مرد مراجعه کننده به مراکز کاریابی وزارت کار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- جعفر زاده، مرتضی، (۱۳۸۴). طراحی و تبیین الگویی برای پیش‌بینی کارآفرینی دانش‌آموختگان، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- احمدزاده، نسرین، (۱۳۸۴). بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه فارغ التحصیلان دانشکده



روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

اصغر پور، محمدجواد، (۱۳۷۷). تصمیم‌گیری‌های چند معیاره، تهران: دانشگاه تهران.

بازرگان، عباس و همکاران، (۱۳۷۷). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگاه.

بدری، احسان، (۱۳۸۴). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان.

جهانبخش، اسماعیل، (۱۳۸۲). راهنمای ساده کاربرد آزمون‌های آماری در پژوهش‌های علمی با استفاده از SPSS، اصفهان: دانش پژوهان برین و ارکان.

خدمتی، صادق، (۱۳۷۹). بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های کارودانش پسرانه شهرستان کرج از نظر مدیران، دبیران و دانش‌آموزان در نیم سال دوم سال تحصیلی ۷۹-۷۸، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.

رستمی، فرخنده، (۱۳۸۶). زمینه‌یابی آموزش‌های دانشگاهی در پرورش روحیه‌ی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مازندران، رساله کارشناسی ارشد، بابلسر: دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

زالی، محمد رضا، (۱۳۸۵). ارزیابی خصیصه‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه مازندران، طرح پژوهشی، بابلسر: دانشگاه مازندران، مرکز کارآفرینی.

کیا، محمد و نساج، سعیده، (۱۳۸۵). نگاهی نو به آموزش‌های کارآفرینی، فصلنامه تخصصی اشتغال و کارآفرینی سازمان همیاری و اشتغال جهاد دانشگاهی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص. ۲۰-۱۶.

عابدی، محمد رضا و شماعی زاده، مرضیه، (۱۳۸۳). بررسی تأثیر مشاوره شغلی بر خود کارآمدی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.

ساروخانی، باقر، (۱۳۸۲). روش تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ هشتم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سالازار، ملتو، (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر کارآفرینی، ترجمه نطق، سیامک. چاپ اول، سازمان ملی بهره‌وری ایران.

صالحی، سعید و برادران، مسعود، (۱۳۸۴). راهکارهای بکارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی، مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، صص ۳۱۶-۲۹۷.

عزیزی، محمد، (۱۳۸۲). بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی.

هزار جریبی، جعفر، (۱۳۸۲). بررسی میزان کارآفرینی دانش‌آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی-اجتماعی شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

هومن، حیدرعلی، (۱۳۸۱). استنباط آماری در پژوهش رفتاری، تهران: پارسا.

یارابی، علی‌رضا، (۱۳۸۳). بررسی برخی روحیات کارآفرینی در بین دانشجویان و مقایسه آن با مدیران صنایع، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

Agarwal R, Prasad J (1998) A conceptual and operational definition of personal innovativeness in the domain of information technology. *Inf Syst Res* 9 (2):204-215.

Atkinson JW& Raynor JD (1974) *Motivation and achievement*. Winston, Washington.

Cunningham JB& Lischeron J (1991) Defining entrepreneurship. *J Small Bus Manage* 29 (1):45-61.

Conca, F. J.& et al, (2004). Development of a measure to assess quality management in certified firms, *European journal of operational research*, (156). pp. 683-697.

Cronbach, L. J, (1951). Coefficient alpha and the internal structure of test, *Psychometrika*, (16). pp. 297-334.



- Churchill, G.A. Jr.(1979). 'A paradigm for developing better measures of marketing constructs', *Journal of Marketing Research*, Vol. 16, February, pp.64-73.
- Dunphy, S.& et al, (1994). The relationship of entrepreneurial and innovative success, *Marketing Intelligence and Planning*, (12) (9).
- Duane, G. A, (2000). Management and organization, Ohio:South-western.
- Elenurm, Tiit & et al ,(2007). "Structure of Motivation and Entrepreneurial Orientation in Students as the Basis for Differentiated Approach in Developing Human Resources for Future Business Initiatives", *Estonian Business School*, EBS Review.
- Galowy, laura; Anderson, Maggie. ; Brown, weny. & Wilson, laura, (2005). "Enterprise skills for the economy", *Education & training*, (18). pp. 46-57.
- Gürol, Yonca & Atsan, Nuray ,(2006). "Entrepreneurial Characteristics among University Students and Training in Turkey", *Education and Training*, Vol. 48, Issue. 1, pp. 25-38.
- Grote GF; James LR (1991) Testing behavioral consistency and coherence with the situation response measure of achievement motivation. *Multivariate Behav Res* 26:655-691 doi:10.1207/s15327906mbr2604_5.
- Hair, J. F. ; Anderson, R. E. ; Tatham, R. L. & Black, W. C. (1998). *Multivariate data analysis*, Prentice Hall International Inc, Upper Saddle River, NJ.
- Hansemark, O.C,(1998). 'The effects of an entrepreneurship programme on need for achievement and locus of control of reinforcement', *International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research*, Vol. 4, No. 1, pp.28-50.
- Hatteman, S. & Ruhland, S, (1994). "Student Entrepreneurial characteristics and attitude chang toward entrepreneurship affected by participation in a SBI program"(http: www.saber.uca.edu).
- Ho TS& Koh HC (1992). Differences in psychological characteristics between entrepreneurially inclined accounting graduates in Singapore. *Entrep Innov Change* 1:243-254.
- Hult, G. M. T. & Ferrell, O. C, (1997). A global learning organization structure and market information processing, *Journal of Business Research*, Vol. 40, pp.155-166.
- Hunter, Son, (2004). "The cumulation natur of the entrepreneurial process: the contribution of human capital, planning and enviroment resources to small venture performance", *Journal of Business Venturing*, (22). pp. 63-72.
- Jordaan, J. W, (2000). The Challenge of Integrating Entrepreneurship in Tertiary Agricultural Education, *10th global Internationalizing*

- Entrepreneurship Education and Training Conference Tamper*, Finland, (49). pp. 10-12.
- Kasouf, C, (2003). "Opportunity assessments a framwork integrating positive phsychology and enviromental variables" (http://www.uic.edu/cba/iej/2003_papers/kasout.html).
- Kaushik, S. K. & Kaushik, S^a. & Kaushik, S^b, (2006). How higher education in rural India helps human rights and entrepreneurship, *Journal of Asian Economics*, 17 (1). pp. 29-34.
- Kirkwood, J,(2007). 'Igniting the entrepreneurial spirit: is the role parents play gendered?', *International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research*, Vol. 13, No. 1, pp.39-59.
- Kiggundo, M. N, (2002). "Entrepreneurs and entrepreneurship in Africa: What is known and what needs to be done", *Journl of Developmental Entrepreneurship*, 7 (3). pp. 239-258.
- Kiggundo, M. N, (2002). "Entrepreneurs and entrepreneurship in Africa: What is known and what needs to be done", *Journl of Developmental Entrepreneurship*, 7 (3). pp. 239-258.
- Kliem, R.L. & Ludin, I.S,(2000). *Reducing Project Risk*, Hampshire: Gower Publishing Company.
- Kuratko, D. & Hodgetts, R, (1989). *Entrepreneurship: A contemporary approach*, 3rd ed, NY: The Dryden Press.
- Lenoir, T.& et al, (2003). *Inventing the Entrepreneurial Region: Stanford and the Silicon Valley*, Collaborative book project.
- Levie, J, (1999). Entrepreneurship: my thane Reality, *Science & Public Affairs*, (17). pp. 24-25.
- McClelland DC,(1961). *The achieving society*. Free Press, New York.
- McClelland, D,(1965). *The Achieving Society*, Princeton, NJ: Van Nostrand.
- McClelland, D.C,(1987). 'Characteristics of successful entrepreneurs', *Journal of Creative Behavior*, Vol. 21, pp.219-233.
- Miller, D,(1983). "The Correlates of Entrepreneurship in Three Types of Firms", *Management Science*, Vol. 29, No. 7, pp. 770-791.
- Morris MH & Trotter JD, (1990). Institutionalizing entrepreneurship in a large company: a case study at AT&T. *Ind Mark Manage* 19 (2):131-139 doi:10.1016/0019-8501(90)90037-V.
- Nunnally, J. C, (1978). *Psychometric theory*, Second ed, McGraw-Hill, New York.
- Parasuraman, A; Zeithaml, V.A, & Berry, L. L, (1988). "SERVQUAL: A Multiple-Item Scale for Measuring Customer Perceptions of Service Quality", *Journal of Retailing*, Vol Spring, pp.12-40.
- Papayannakisa, L. ; Kastelli, I. ; Damigosb D. ; Mavrotasa G, (2008). *Fostering entrepreneurship education in engineering curricula in Greece*.



- Experience and challenges for a Technical University, *European Journal of Engineering Education*, 33 (2). pp 199-210.
- Peterson, R. A, (1994). A meta-analysis of cronbach,s coefficient alpha, *Journal of consumer research*, (21). pp. 381-391.
- Postigo, S, (2002). Entrepreneurship Education in Argentina : the case of San Anders University, *In Proceedings of the Conference Entitled the Internationalizing in Entrepreneurship Education and training*, Malasya, July, pp. 8-10.
- Rasheed, H. S, (2000). Developing Entrepreneurial Potential in youth, the effect of Entrepreneurial Education and venture creation, Available at:(WWW.coba.usf.edu / Departments / Management / Faculty / rasheed / Youth Entrepreneurship).
- Rasmussen, E. A. & Srheim, R, (2006). Action – based Entrepreneurship Education, *Technovation*, (26). pp. 185- 194.
- Rol, Y. G. & Atson, N, (2006). Entrepreneurial characteristics amongst university students: Some insights for entrepreneurship education and training in Turkey, *Education+Training*, 48 (1). pp25-38.
- Sohn, S. y, Kim, H. S& Moon, T. H, (2007). “Predicting the financial performance index of technology fund for SME using structural equation model”, Department of Information and Industrial Engineering, Yonsei University, 134 Shinchon-dong, Seoul 120-749, Republic of Korea.
- Stevenson, H. & Gumpert, D, (1985). the heart of entrepreneurship, *Harvard business review*, (63) (2). pp. 85-94.
- Sun, Y. T; Yazdani, A. & Overend, J. D, (2005). “Achievement assessment for enterprise resource planning (ERP) system implementations based on critical success factors (CSFs)”, *Int. J. Production Economics*, (98). pp.189–203.
- Tajeddini, Kayhan & et al , (2006). “Examining the Effect of Market Orientation on Innovativeness”, *Journal of Marketing Management*, Vol. 22, No. 5-6, June 2006, pp. 529-551.
- Trachtenberg, S. J, (1999). The New Entrepreneurial University, *speech to the American Association of University Administrators*, June.
- Utsch, A, & Rauch, A,(2000). Innovativeness and initiative as mediators between achievement orientation and venture performance. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 9 (1). 45–62.
- Van de ven, A. & Ferry, D, (1979). Measuring and assessing organizations, John Wiley, New York.
- Vesper, k, (1990). "New venture strategeies", Prentice Hall. Englewood cliffs, N.J.
- Wang, T. C& Lin, Y. L, (2009). “Accurately predicting the success of B2B e-commerce in small and medium enterprises”, *Expert Systems with Applications*, 36 (2). pp. 2750-2758.

Yapp, C& Fairman, R, (2006). “*Factors affecting food safety compliance within small and medium-sized enterprises: implications for regulatory and enforcement strategies*”, King_s Centre for Risk Management, King_s College London, Strand Bridge House, 138-142 Strand, London WC2R 2LS, UK.

Archive of SID



نویسندگان

mk_abedin2000@yahoo.com

مهران فرج‌اللهی

عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه پیام نور تهران
رشته تحصیلی: علوم تربیتی برنامه‌ریزی آموزشی.

حسنعلی آقاجانی

عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه مازندران.
رشته تحصیلی: مدیریت صنعتی و کارآفرینی.

زیبا گنجه‌خور

دانشجوی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران.
رشته تحصیلی: علوم تربیتی برنامه‌ریزی آموزشی.

Archive of SID